

تبیین مؤلفه‌های عدالت آموزشی و تحلیل انتقادی جایگاه آن در گفتمان‌های

ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی^۱

فهیمه اکبرزاده^۲، یحیی قائدی^۳ و اکبر صالحی^۴

چکیده

مقاله حاضر، با هدف تحلیل و نقد مؤلفه‌های عدالت آموزشی در گفتمان‌های بعد از انقلاب اسلامی با تأکید بر گفتمان ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی، نگاشته شده است. به همین منظور، برخی بیانات مستقیم دولتمردان و برخی متون و مصوبات دولتی و آموزشی در دو دوره مذکور با روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، مورد تحلیل و نقد قرار گرفت. آن‌گونه که از تحلیل و تفسیر متون برآمد، گفتمان‌های مذکور اگرچه پیرامون مقوله عدالت آموزشی، مواضع سیاسی و ارزشی بعضاً متفاوتی داشته‌اند، اما با نظر به تحلیل متنی و فرامتنی، بیش از هر چیز بر اساس مقوله نیاز و در بُعد عدالت کمی عمل نموده‌اند. کمبود بودجه، حفظ روابط سلسله‌مراتبی، تمرکزگرایی، ابهام و تضاد در نظر و عمل، ضعف در بهره‌گیری کارکردگرایانه از دین در کنار دیگر افکار، ناآرامی‌های داخلی و خارجی، تعاملات محدود داخلی و خارجی، محافظه‌کاری، غالب بودن و ارجح بودن مواضع فکری و ارزشی مراجع بالادستی نظام و به‌عنوان مهم‌ترین عامل و مانع نسبت به دیگر موارد، از جمله شاخص‌ترین محدودیت‌های درون‌متنی و موانع برون‌متنی در فراهم آوردن الزامات تحقق عدالت آموزشی خصوصاً در سطح کیفی است، نشانگر ناهمخوانی اهداف و برنامه‌های مطرح‌شده با مناسبات و اهداف حقیقی و مدنظر دولت است. نتیجه این‌که اگر از لحاظ انگیزشی و شناختی در مواضع فکری گروه حاکم به‌عنوان منبع اقتدار و سیاست‌گذاری در کلیه سطوح، تحولی ایجاد نگردد، تغییر در دیگر سطوح، به‌عنوان الزاماتی برای تحقق مؤثر عدالت آموزشی، خصوصاً در سطح کیفی، ممکن نخواهد گشت.

واژگان کلیدی: عدالت آموزشی، گفتمان، ایدئولوژیک‌سازی، سازندگی، تحلیل گفتمان انتقادی

مقدمه

عدالت^۱ به معنای رساندن افراد به حق و حقوق خود است که معنای آن از توجه به تفاوت‌ها تا یکسان‌سازی برای تحقق این مهم در نوسان است. شهید مطهری، سه معنی موزون بودن، تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت استحقاق‌ها و عطا کردن به هر ذی‌حقی آنچه استحقاق آن را دارد، برای مفهوم کلمه‌ی عدالت بیان می‌نماید (مطهری، ۱۳۹۱). از منظر علامه طباطبایی، عدالت میانه‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری است و معنای اصلی عدالت، اقامه مساوات میانه امور است، به این که به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا امور مساوی شود و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آن است، قرار گیرد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴). در فرهنگ سیاسی امام علی(ع) «عدالت» در موجودیت خود به قدرت و قاطعیت محتاج است و قدرت نیز در مشروعیت خود، به عدالت نیاز دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹). امام خمینی نیز مسئله‌ی عدالت را در ارتباط تنگاتنگ با کلیت هستی و به‌ویژه اجتماع و سیاست می‌بیند. در نگاه وی، نگرش به عدالت نه تنها بی‌ارتباط با مسائل اجتماعی و سیاسی نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی و سیاسی نیز هست (جمشیدی، ۱۳۸۴). افلاطون، رعایت حدود و اعتدال و ارسطو از میان انواع هشت‌گانه عدالت، عدالت توزیعی را مهم‌تر برمی‌شمرد؛ چرا که، عدل را نه برابری بلکه تناسب می‌داند به نحوی که باید جایگاه حقوق هرکس در جامعه به اندازه شایستگی و دانایی او باشد (عنایت، ۱۳۹۱). در دوره قرون وسطی بحث عدالت جزئی است و به زعامت کلیسا بعنوان نماینده مذهب، محدود می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۶). در کل، بررسی تاریخی نشانگر آن است که نظریه‌های ارائه شده درباره‌ی عدالت و به تبع آن، عدالت آموزشی^۲، ضرورتاً تحت تأثیر فرهنگ و جامعه نظریه‌پردازان این حوزه است (لیتل^۳، ۲۰۰۷)، از نگاه مطلق و توزیعی بر مبنای شایستگی ذاتی در دوران کلاسیک (واعظی، ۱۳۸۳، ص. ۵) تا نوعی قرارداد اجتماعی با هدف دفاع و حفظ آزادی فردی در دوران مدرن (بهرروزی لک، ۱۳۹۱؛ تاجیک، ۱۳۷۹) و نگرشی نسبی و غیرجهان‌شمول، تکثرگرا، غیرگرا، استحقاقی و حتی تهدیدی برای آزادی و تفاوت‌های فردی در دوران پسامدرن (فانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۹؛ ربانی، ۱۳۸۷، ص. ۴۹؛ غنی‌نژاد، ۱۳۷۶). در هر صورت، عدالت به معنای عام و عدالت آموزشی به معنای خاص در هر دوره از

1. Justice

2. Educational Justice

3. little

تاریخ، موضوع حائز اهمیتی است که برای تحقق یافتن و سوق دادن جامعه به سوی زندگی اجتماعی بهتر و عادلانه‌تر، نیازمند نهاد آموزش و پرورش و متأثر از آن است (علاقه‌بند، ۱۳۸۷) و بعنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد عدالت اجتماعی (سرمدی، ۱۳۹۳) تأثیر مهمی بر رشد و توسعه جامعه دارد. بنابراین، اینکه چه کسانی و با چه اهدافی مجری و مسئول برقراری عدالت آموزشی می‌باشند، بسیار مهم می‌نماید. در طول تاریخ، دولت‌ها با توجیه‌ها و اهداف متفاوتی چه در زمینه بهره‌مندسازی بیشتر افراد از آموزش، چه در زمینه آموزش عمومی برای شهروندی و چه در زمینه تخصصی برای ایجاد مهارت و دیگر موارد، در نظام آموزشی دخالت نموده‌اند (فریدمن^۱، ۱۹۵۵). در کشور ایران نیز، مقوله عدالت و عدالت آموزشی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، شعار محوری انقلاب اسلامی بوده که این دغدغه در گفتمان‌های بعد از انقلاب، برحسب نیازها، شرایط و اهداف به شکل‌های مختلف تبلور یافته است. گفتمان ایدئولوژیک‌سازی با حاکمیت نخستین دولت و محوریت عدالت اجتماعی و اسلامی، گفتمان سازندگی با محوریت توسعه و عدالت اقتصادی، گفتمان اصلاحات با محوریت عدالت و توسعه سیاسی، گفتمان اصول‌گرایی با محوریت بازگشت به ارزش‌های دهه شصت و عدالت‌گستری (حسین‌زاده، ۱۳۸۶؛ آریان‌راد، ۱۳۹۶؛ جباری، ۱۳۹۴؛ میرزایی، ۱۳۹۴) و گفتمان اعتدال و توسعه با حاکمیت روحانی (مجیدی، ۱۳۹۷) از این جمله هستند. گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباطات اجتماعی‌اند و بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب یا گزاره و قضیه (گفتاری و نوشتاری) تعیین‌کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به شمار می‌روند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵). مؤلفه‌های اساسی نظیر این‌که چه کسی؟ چگونه؟ چرا؟ چه وقت؟ و با چه نیت و آمریتی سخن می‌گوید، در تعریف مفهوم گفتمان بسیار مهم می‌نماید و اگرچه گفتمان فراتر از ایدئولوژی است، اما هیچ گفتمانی به‌طور آگاهانه یا غیرآگاهانه، بی‌طرف نیست و به موقعیت خاصی وابسته است (میرفخرایی، ۱۳۸۳). از این رو، بررسی و شناسایی ماهیت و موقعیت گفتمان‌های غالب در دو دهه اول انقلاب یعنی گفتمان‌های ایدئولوژیک‌سازی^۲ و سازندگی^۳ که تأثیرات مهمی بر شکل‌گیری مسائل و جریان‌ات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی دوران حاکمیت خود و بعد از خود داشته‌اند، به‌منظور تحلیل و نقدشان پیرامون مقوله عدالت آموزشی ضرورت می‌یابد. در

^۱ Fridman

^۲ Ideological discourse

^۳ Constructive discourse

ارتباط با ایدئولوژی و دین دو دیدگاه کلی مطرح است: الف: دین توجیه‌گر است؛ تعبیری که در جامعه‌شناسی معرفت از ایدئولوژی می‌شود و ایدئولوژی را مجموعه‌ای از آراء و باورهایی می‌داند که در جهت توجیه وضع موجود ارائه می‌شود (در این معنی، از دیدگاه مارکسیسم، ایدئولوژی به معنای آگاهی کاذب به کار می‌رود که این رویکرد در تضاد با ادیان الهی است، زیرا ادیان الهی واجد آگاهی‌های صادق و عمیق هستند و پیامبران الهی در برابر بی‌عدالتی‌های موجود عصر خود قیام کرده‌اند). ب: دین آرمان‌گرایانه است؛ تعبیری که در چارچوب اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی تاریخی از مفهوم ایدئولوژی می‌شود. از منظر اندیشه سیاسی، ایدئولوژی چهار عنصر عمده را در برمی‌گیرد: اول، تبیین وضع موجود؛ دوم، ارزیابی و نقد وضع موجود؛ سوم، ارائه و ترسیم یک وضع مطلوب به جای وضعی که مورد نقد قرار می‌گیرد؛ و چهارم، ارائه طریق برای رسیدن به وضع مطلوب. از منظر جامعه‌شناسی تاریخی نیز ایدئولوژی یک نظام فکری مشتمل بر ارزش‌های مؤثر اجتماعی یا آگاهی جمعی یا آرمان‌گرایی اجتماعی یا حتی یک نیروی تاریخی است. از این دیدگاه، دین یک نیروی اجتماعی است که از طریق نبوت و در قالب باورها و نهادهای اجتماعی می‌تواند به یک ایدئولوژی تبدیل شود. پس به این معنا کارکرد ایدئولوژیک دین برخلاف وضع موجود- در صورت نامطلوب بودن آن - است و حتی وضع موجود را تبیین می‌کند. با این تعبیر، دین می‌تواند کارکرد آرمان‌گرایانه داشته باشد و درعین حال ماهیت آن به این کارکرد محدود نشود و هر دو بُعد آرمان‌گرایانه و کارکردگرایانه را دربرگیرد که این بسته به عواملی چند خصوصاً در ساختار قدرت است (منوچهری، ۱۳۸۵).

دهه اول انقلاب اسلامی که مصادف بود با دوران رهبری حضرت امام خمینی(ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، و اولین دولت پس از انقلاب اسلامی بود، پروژه دینی کردن جامعه بر دیگر امور ارجح شد و به نوعی خوانش ایدئولوژیک و انقلابی از دین اسلام یا ایدئولوژی‌سازی از متن دین، توسط اسلام‌گرایان، به صورت متمرکز و با این باور که دین، بهترین برنامه برای اداره دنیای انسان‌هاست، غالب شد (کاظمی، ۱۳۸۳). در دهه اول انقلاب، خوانش ایدئولوژیک از دین در چارچوب اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی تاریخی غالب بود، بر این اساس، برخی تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی، در زمان حاکمیت اولین دولت که مقوله تسری کارکرد ایدئولوژیک دین در پیوند با ارزش‌های انقلابی نمود بارزتری داشت، گفتمان ایدئولوژیک‌سازی نام‌گذاری نموده‌اند. به فرمان امام خمینی اقدام به انقلاب فرهنگی و تأکید بر مدیریت مکتبی نمونه بارز این امر هستند. دوران حاکمیت دولت سازندگی نیز با غالب شدن سیاست‌ها و برنامه‌های مبتنی بر بازسازی و توسعه اقتصادی، گفتمان سازندگی نام

گرفت (حسین زاده، ۱۳۸۶). گفتمان‌های مذکور با تکیه بر مواضع فکری و ارزشی خود، سیاست‌ها و برنامه‌هایی پیرامون عدالت و عدالت آموزشی مدنظر قرار دادند، علاوه بر تأکیدهای موجود در بیانات مستقیم مسئولان مربوط، اسناد و مصوباتی نظیر برنامه‌های توسعه و مصوبات آموزشی گواهی بر این امر هستند، اما مستندات و پیامدها، نشانگر این است که با وجود تلاش‌های صورت گرفته و تصویب برنامه‌ها و ارائه راهکارهای عدالت‌محور، همچنان خلأ و پیامدهای ناشی از عدم تحقق واقعی و مؤثر عدالت با نظر به معیارها و شاخص‌های کمی و کیفی که مشخص کننده وضعیت نظام آموزش و پرورش هستند، در جامعه ایران مشهود است. ناقص اصل تلاش، نیاز و استحقاق‌های ذاتی بودن مدارس خصوصی (باقری، ۱۳۷۸)، مشکلات فزاینده مالی و ناتوانی در پاسخگویی به جمعیت در مدارس دولتی (حاضری، ۱۳۹۶)، عدم شفافیت و صراحت آیین‌نامه‌های اجرایی (سمیعی زفرقندی، ۱۳۹۵)، به‌زعم بعضی از افراد، ناسازگاری برخی از مبانی ایجاد مدارس غیرانتفاعی با اصول عدالت اجتماعی (یاری‌قلی، ۱۳۹۲)، تأثیر بسیار سرمایه اجتماعی و اقتصادی بر احتمال قبولی و بهره‌گیری امکانات آموزشی داوطلبان آموزش عالی (نوغانی، ۱۳۹۱)، نادیده گرفتن توزیع متناسب معلمان باکیفیت و ماهر در مناطق محروم (بابادی عکاشه، ۱۳۸۹)، افزایش آمار بی‌سوادی و نرخ ترک تحصیل در برخی استان‌ها و مقاطع (هاشم‌خانی، ۱۳۹۱)، وجود موانع مشارکت آموزشی (ناظم، ۱۳۹۴) و دیگر موارد، شواهدی است که نشانگر دلایل و پیامدهایی پیرامون عدم تحقق مؤثر عدالت آموزشی است. بطور کلی زبان گفتمانی نقش مهمی در ساختار قدرت ایفا می‌کند و چه‌بسا ممکن است زبان یک گروه تبدیل به ایدئولوژی حاکم شود (جهانگیری، ۱۳۹۲)؛ به عبارت دیگر، هیچ متن و گفتمانی عاری از ایدئولوژی^۱ نیست (لاکلا و موف، ۱۹۸۷). علاوه بر بیانات مستقیم دولتمردان، متون و مصوبات رسمی و مدون دو گفتمان ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی یعنی برنامه توسعه و مصوبات آموزشی، با روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، مورد تحلیل و نقد قرار گرفت. این روش قابلیت روشن‌سازی زوایای پنهان برای شناسایی و دریافت عمیق‌تر پیش‌فرض‌ها، اهداف، مناسبات حقیقی و سیاست‌های پنهان و تأثیرگذار بر مؤلفه‌های عدالت آموزشی در هر گفتمان را دارد، از منظری دیگر، اگرچه گفتمان فراتر از ایدئولوژی است، اما هیچ گفتمانی به‌طور آگاهانه یا

۱. ایدئولوژی تعاریف گوناگونی دارد از جمله: فرآیند تولید معانی، علائم و ارزش‌ها در زندگی اجتماعی و مسند سیاسی؛ مواضع و اندیشه‌هایی که در تداوم مشروعیت بخشی، قدرت سیاسی حاکم را یاری می‌دهند (ایگلتون، ۱۳۸۱). برخی ایدئولوژی را زیرمجموعه جهان‌بینی می‌دانند که واجد بایدها و نبایدهاست.

غیرآگاهانه، بی‌طرف نیست و به موقعیت و ارزش و نیت خاصی وابسته است (میرفخرایی، ۱۳۸۳) که باید به واسطه تحلیل درون‌متنی و برون‌متنی و به‌منظور شناسایی عوامل و موانع آشکار و پنهان مؤثر بر عدالت آموزشی به اعماق آن راه یافت.

در این پژوهش، مؤلفه‌های عدالت آموزشی واقع در گفتمان‌ها در دو دسته عدالت آموزشی کمی (یعنی آموزش و پرورش رایگان و اجباری، افزایش تعداد باسوادان، تساوی در برخورداری از امکانات مادی و انسانی در آموزش، ساخت و احداث مدارس و مراکز آموزشی، عدالت جنسیتی در نظام آموزشی) و عدالت آموزشی کیفی (یعنی ارائه فرصت و امکانات مادی و انسانی مناسب برای ارتقای کیفیت آموزش، به‌صورت شایسته‌سالاری، مشارکت در سطوح و ابعاد مختلف آموزشی، توجه به حقوق و آزادی فردی، کثرت‌گرایی در سطوح و ابعاد مختلف تعلیم و تربیت، وجود پویایی و تفکر انتقادی در امر آموزش)، به‌منظور پاسخ به پرسش‌های زیر مورد شناسایی، تحلیل و نقد قرار گرفت: عوامل و موانع آشکار و پنهان درون‌متنی و برون‌متنی عدم تحقق عدالت آموزشی در گفتمان‌های ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی کدامند؟ این عوامل و موانع، چرا و چگونه بر نحوه پرداختن گفتمان‌های مذکور به مقوله عدالت آموزشی تأثیرگذارند؟ نقش کدام یک از عوامل و موانع در تحقق یا عدم تحقق مؤلفه‌های عدالت آموزشی بیشتر است؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، با نظر به پرسش‌های طرح شده، از روش توصیفی-استنتاجی و روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۶) استفاده شده است. تحلیل درون‌متنی و برون‌متنی روش فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، کارآمد است. به‌منظور جلوگیری از افزایش سهم نمونه نوشتاری غیرمستقیم در مقطع زمانی مدنظر، علاوه بر متون و مصوباتی نظیر برنامه توسعه و برخی مصوبات آموزشی که مؤلفه‌های عدالت آموزشی را به‌طور آشکار و ضمنی در برگرفته، برخی بیانات مستقیم (نقل‌قول‌های مستقیم دولتمردان در روزنامه‌ها، مصاحبه‌ها، و سخنرانی‌ها) نیز به‌عنوان نمونه مورد پژوهش در همان مقطع زمانی، انتخاب و در سه سطح تحلیل شده است: توصیف متن (آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن با تمرکز بر واژه‌ها و نوع کاربرد آن در متن و وجوه دستوری جملات)؛ تفسیر (نشان دادن تعامل بین متن و بافت)؛ تبیین (تأثیر دو سویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها). در مرحله توصیف، با تکیه بر معیارهای ثابت زبان‌شناختی، تحلیل بر اساس ارزش‌های تجربی متن (یعنی واژگان پربسامد و محوری، واژگان دارای شمول معنایی،

واژگان دارای بار ایدئولوژیک، فاعل معلوم یا نامعلوم؛ ارزش‌های رابطه‌ای متن (یعنی نوع بیان، چگونگی اتصال جملات، امری یا خبری بودن جمله از لحاظ دستوری، کمکی‌های رابطی به کار گرفته شده) و ارزش‌های بیانی متن (یعنی برجسته‌سازی و طرد هویت‌های اجتماعی و فاعلان، واژگان سلبی یا مثبت، واژگان تقابلی، چگونگی به‌کارگیری ضمایر فاعلی، ایهام و ایهام در جملات، واژگان محدودکننده با بکارگیری عبارت‌های شرطی) (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۲) انجام می‌شود. در سطح تفسیر، چگونگی شرایط تولید و خوانش اسناد و مصوبات پیرامون عدالت آموزشی در گفتمان‌های مذکور با نظر به تحلیل در مرحله توصیف، تحلیل برون‌متنی و با تکیه بر دانش زمینه‌ای مفسر به‌منظور کشف عوامل و شرایط مؤثر در تولید متون مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله تبیین، بیانات، اسناد و مصوبات گردآوری شده با توجه به تحلیل‌های حاصله در سطح توصیف و تفسیر و بر اساس دانش زمینه‌ای مفسر، در ارتباط با عوامل برون‌متنی (یعنی عوامل جامعه‌شناختی، اقتصادی، گفتمان مسلط و تأثیراتی که بر تولید متون داشته‌اند)، مورد تحلیل قرار گرفته است و عملکرد متون در شرایط امروز و تأثیرات باز تولیدی آن، بررسی و نقد می‌شود. با نظر به این‌که دستاوردهای مطالعات مبتنی بر تحلیل گفتمان با تکیه بر اندیشه و توانایی پژوهشگر در قبال پدیده مورد پژوهش و ارزیابی است، یافته‌ها به میزان قابل توجهی ناشی از قضاوت‌ها و اندیشه‌های پژوهشگر است. بنابراین، به‌منظور افزایش روایی و پایایی در این پژوهش، سعی شد مواردی از جمله تمرکز و تأکید بر وضوح توضیحات و روش‌های مورد استفاده، ارائه مدارک کافی، وجود اعتبار در اسناد، مقایسه نتایج به دست آمده از منابع اطلاعاتی مختلف، سودمندی عملی و یا باز بودن محقق نسبت به بینش‌های جدید (عابدینی، ۱۳۸۳) و همچنین دقت در تحلیل، پیوستگی و ارتباط درونی، تجانس و همگونی بیرونی به میزان ممکن رعایت شود.

شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در گفتمان ایدئولوژیک‌سازی

در این بخش، مؤلفه‌های عدالت آموزشی در بیانات مستقیم میرحسین موسوی بعنوان نخست وزیر وقت و متون گفتمانی مصوب دهه اول انقلاب با تمرکز بر دوران نخست‌وزیری وی، از جمله مصوبات شورای عالی آموزش (یعنی متون قانون آموزش و پرورش عمومی و اجباری و مجانی؛ قانون تأسیس سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس؛ لایحه قانونی الحاق به لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب؛ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی؛ قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش؛ لایحه قانونی راجع به تبدیل اداره واحدهای آموزشی غیردولتی به‌صورت دولتی، آیین‌نامه اجرایی نهضت

سوادآموزی) به‌عنوان متون گفتمانی تولید شده توسط دولت در سال‌های آغازین انقلاب تا سال ۱۳۶۸، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد تحلیل و نقد قرار گرفت.

الف. تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در بیانات مستقیم و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح توصیف)

در این قسمت، مؤلفه‌های عدالت آموزشی در بیانات مستقیم نخست‌وزیر وقت و مصوبات شورای عالی آموزش دهه اول انقلاب، به ترتیب در جداول شماره (۱) و (۲) توصیف شده است:

جدول ۱- تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در بیانات مستقیم موسوی (سطح توصیف)

اطلاعات، ۵ مهر ۱۳۶۵ / اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱ / صحبت موسوی در تلویزیون در زمان دفاع مقدس سال ۱۳۶۱ / کیهان، ۱۹ تیر، ۱۳۶۲ / اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱، ص ۳ / کیهان ۶ اردیبهشت	فقر / محروم / ظلم / سلطه / غرب‌گرایی / تجمل‌گرایی / استکبار / دشمن / استعمار / تبعیض / بریدگی فرهنگی / ازخودبیگانگی فرهنگی / ضدانقلابی	واژگان سلی
بیان، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۹ / اطلاعات، ۴ تیر ۱۳۶۲ / کیهان، ۱۵ تیر ۱۳۶۲ / اطلاعات، ۵ مهر ۱۳۶۵ / اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱ / کیهان، ۱۹ تیر، ۱۳۶۲، ص ۲۵ / اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱ / صحبت موسوی در تلویزیون در زمان دفاع مقدس سال ۱۳۶۱ / دنیای اقتصاد ۳ بهمن ۱۳۷۸	حفظ اصول و ارزش‌های نظام اسلامی و انقلابی / مدیریت مکتبی و تأکید بر اصل ولایت فقیه برای پیشگیری از آسیب جامعه / مخالفت با تجدد و فرهنگ غربی / استکبارستیزی / جمهوری اسلامی / ولایت فقیه / بازسازی فرهنگی / وحدت دینی و فرهنگی / دولتی‌سازی / وحدت فرهنگی و دینی و مقابله با دشمن / دولتی‌سازی گسترده / عدالت اسلامی و اجتماعی	واژگان محوری و پریسامد
کیهان، ۱۵ تیر ۱۳۶۲ / بیان ۲۱ اردیبهشت / اطلاعات، ۴ تیر ۱۳۶۲ / مصاحبه با نبوی، ۱۳۹۴ / دنیای اقتصاد، ۳ بهمن / اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱	اسلامی و انقلابی در مقابل شرقی و غربی / حامی انقلاب در مقابل مخالف انقلاب / متعهد در مقابل غیرمتعهد / دولتی در برابر غیردولتی / مرفه در برابر غیرمرفه / عدالت اسلامی در مقابل عدالت غیراسلامی / وحدت فرهنگی در برابر بریدگی فرهنگی	واژگان تقابلی
اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱ / کیهان ۶ اردیبهشت ۶۱ / کیهان ۶ اردیبهشت ۶۱ / بیان ۲۱ اردیبهشت	باید / نباید / در چارچوب‌های انقلابی و اسلامی / نظام ما / سرکوب خواهیم کرد / صفات ایدئولوژیک: ضدانقلاب، غیرمتعهد، غرب‌زده	واژگان محدود کننده
دنیای اقتصاد، ۳ بهمن ۱۳۷۸ / اطلاعات، ۷ شهریور ۱۳۶۶ / کیهان، ۱۹ تیر، ۱۳۶۲، ص ۱۸ / مصاحبه با نبوی، ۱۳۹۴ / کیهان، ۱۹ تیر، ۱۳۶۲ / دنیای اقتصاد، ۳ بهمن ۱۳۸۷ / اطلاعات، ۷ شهریور، ۱۳۶۶ / لوح فشرده صورت مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۵	عدالت اسلامی / عدالت اجتماعی / فقرزدایی و خدمت دولت به محرومین و مستضعفین / دولتی‌سازی در همه حیطه‌ها / مخالفت با خصوصی‌سازی و سرمایه‌داری غیرمولد / دولتی‌سازی گسترده و اقتصاد دولتی / کوپنیسم و یارانه و تأمین کالاهای اساسی / عدالت به‌مثابه عدالت توزیعی، اصلاح مناسبات اجتماعی و فقرزدایی با تکیه بر دولت‌محوری / توجه به آموزش در مناطق محروم / دولتی‌سازی مدارس / رفع تبعیض آموزشی / دریافت کمک از افراد متمکن و خیر / قطع هزینه سرانه در مناطق مرفه و اختصاص آن به مناطق محروم / مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم	مفاهیم عدالت و عدالت آموزشی متن

جدول ۲- تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در مصوبات شورای عالی آموزش (سطح توصیف)

واژگان سلبی	بی‌بضاعت، محروم، نیازمند، بی‌سرپرست، تبعیض، مصرف‌زدگی، ضد انقلاب، ضداسلام	به ترتیب: قانون آموزش و پرورش عمومی و رایگان، ماده ۳، قانون اهداف آموزش و پرورش، ماده ۲
واژگان محوری و پرېسامد	اولویت اهداف و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در کلیه موارد اعتقادی، تربیت دینی؛ عدالت‌گستری، ترکیه در آموزش، گزینش اعتقادی، پاکسازی فرهنگی، قناعت، تعاون، امر به معروف و نهی از منکر، توجه به قشر آسیب‌پذیر، بی‌سرپرست و محروم، اولویت ایثارگران و جانبازان، فقرزدایی	به ترتیب: قانون اهداف آموزش و پرورش، ماده ۲، فصل ۳، ماده ۴، قانون آموزش و پرورش عمومی، ماده ۲، قانون اهداف آموزش و پرورش، فصل ۴، قانون مدارس غیرانتفاعی
واژگان تقابلی	تنوع و مقتضیات طبیعی در برابر اصول و قواعد دینی و انقلابی؛ قناعت در برابر مصرف‌گرایی؛ غربی در برابر اسلامی؛ انقلاب در برابر ضدانقلاب؛ دولتی در برابر غیردولتی، باایمان در برابر بی‌ایمان؛ پیرو ولایت فقیه در برابر ضد ولایت فقیه؛ مرفه در برابر غیرمرفه؛ متعهد در برابر غیرمتعهد	قانون اهداف آموزش و پرورش، فصل ۱، ماده ۲، قانون آموزش و پرورش عمومی، ماده ۳، قانون اهداف آموزش و پرورش، ماده ۴
واژگان محدودکننده	افعال و عباراتی نظیر تحت نظارت؛ طبق مقررات وزارت مرکزی؛ بر اساس ضوابط وزارت آموزش؛ پاکسازی شوند؛ با نظارت آموزش و پرورش؛ مطابق با اهداف و چارچوب جمهوری اسلامی؛ مطابق موازین اسلامی (افعال امری و رسمی؛ هشدار غیرمستقیم). کاربرد کمکی‌های رابطی نظیر باید؛ نباید؛ مطابق؛ التزام عملی نسبت به. کاربرد صفات ایدئولوژیک برای مخاطبان مانند مردم متعهد، باایمان، پاینده بر ارزش‌های انقلابی و اسلامی و دارای التزام عملی به ولایت فقیه و آرمان‌ها	به ترتیب: قانون مدارس غیرانتفاعی، ماده ۱ و ۲، لایحه قانونی پاکسازی مصوب ۱۳۶۰، قانون اهداف آموزش و پرورش، فصل ۳، ماده ۷، فصل ۴، قانون مدارس غیرانتفاعی، ماده ۲، قانون اهداف آموزش و پرورش، ماده ۱ و ۲
مفاهیم عدالت آموزشی متن	تعلیمات رایگان و اجباری، اولویت بی‌بضاعتان، عدالت در توزیع امکانات آموزشی؛ رفع نابرابری امکانات آموزشی در شهر و روستا؛ تألیف کتب برحسب تنوع و مقتضیات برحسب جنس، سن و استعداد؛ متناسب با بافت عشایری و روستایی؛ توجه به اقلیت‌های دینی؛ توجه به آموزش بزرگسالان، احداث و توسعه مدارس	قانون آموزش و پرورش عمومی، ماده ۱، ماده ۳، قانون اهداف آموزش و پرورش، فصل ۳، ماده ۵ و ۶، و فصل ۱ ماده ۱

ب. تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در متون قانون اساسی و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح تفسیر)

در سطح تفسیر، شرایط تولید و خوانش متون مرتبط با عدالت آموزشی در هر دوره گفتمانی، بر اساس پاسخ به این سؤالات بررسی می‌شود: در حیطه عدالت و عدالت آموزشی تخاصم و تضاد گفتمان با دیگر گفتمان‌ها بر سر چه موضوع و مسئله‌ای است؟ مخاطب و گوینده یا تولیدکننده متن چه کسانی هستند؟ روابط مخاطب و گوینده به چه صورت است؟ هدف از تولید متن چیست؟ دیدگاه و شرایط اجتماعی حاکم بر تولید گفتمان چیست؟

بر اساس تفسیر متون، تخاصم و تضاد گفتمان ایدئولوژیک‌سازی با محوریت حزب جمهوری در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، بیش از هر چیز، پیرامون اصول و ارزش‌های اسلامی-انقلابی و برجسته‌سازی آن‌ها در بیانات و متون بود. با این باور که ارزش‌های مذکور به‌عنوان زمینه‌ساز عدالت در دوره‌های پیش از انقلاب جایگاهی نداشته است و برای تحقق عدالت، وحدت و مقابله با دشمن باید گسترش یابد (موسوی، اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱؛ اطلاعات، ۴ تیر ۱۳۶۲؛ اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱، رفسنجانی، اطلاعات، ۱ مهر

۱۳۵۹؛ خمینی، ۱۳۵۹). از این رو، بنیان‌گذاران انقلاب اسلامی به‌عنوان قدرتی نوپا، برای تثبیت و حفظ ارزش‌ها و باورهای خود در برابر گفتمان رقیب و به منظور فراهم آوردن زمینه‌های عملی مناسب برای حاکمیت ارزش‌های انقلابی و اسلام در تمامی شئون مملکت، یعنی بنیادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران با محوریت باورهای حزب جمهوری و خط امامی‌ها، نیازمند تولید متن (جوام، ۱۳۶۴) و در راستای تسری و تثبیت ارزش‌ها و اهداف مدنظر، بنا به دلایل متعدد، نیازمند به بهره‌گیری از نظام آموزش و پرورش بودند. انقلاب فرهنگی، تأکید بر مدیریت مکتبی، تغییر در مصوبات، برنامه‌ها، سازمان و تشکیلات آموزش و پرورش گواهی بر این امر است (جوام، ۱۳۶۴). به‌زعم انقلابیون اسلام‌گرا، حکومت پهلوی در زمینه عدالت‌گستری با باورهای دنیاگرایانه و ضددین، سیاست‌های تقلیدی و اقتدارگرایانه در آموزش و پرورش (ایروانی، ۱۳۹۲)، موجب به حاشیه رانده شدن آزادی، مشارکت مردمی، برخورداری نامساوی از آموزش و پرورش و غفلت از اصول و ارزش‌های اسلامی شد و همین امر کنشگری مذهب‌یون در این زمینه را رقم زد (راعی گلوچه، ۱۳۹۶).

هرچند در دوران پهلوی، رایگان نمودن آموزش عمومی و عالی و حق شهروندان برای تصمیم‌گیری در مدارس دولتی، ملی و خصوصی در نظر گرفته شد (حاضری، ۱۳۷۲)، با این حال، بیشترین تخاصم و تضاد گفتمان میرحسین موسوی و همفکرانش با گفتمان پیش از انقلاب اسلامی، پیرامون عدالت‌ورزی و مواضع ارزشی بود. وی اجرای عدالت اجتماعی، سیاست اقتصاد کنترل شده و گسترده‌سازی دولت (هاشمی، ۱۳۷۸) به منظور نظارت بر اقتصاد و امور اجتماعی و فرهنگی را ارجح دانست و توسعه و رشد اقتصادی را در مقایسه با عدالت اجتماعی از اولویت کمتری برخوردار و عدالت را به مثابه عدالت توزیعی^۱، اصلاح مناسبات اجتماعی و فقرزدایی با تکیه بر دولت‌محوری برشمرد (اطلاعات، ۷ شهریور ۱۳۶۶؛ دارابی، ۱۳۸۸). عدالت اجتماعی از طریق سهمیه‌بندی و یارانه، سیستم کوپن‌سیسم (هاشمی، ۱۳۷۸)، دریافت کمک از افراد متمکن و خیر، قطع هزینه سرانه در مناطق مرفه و اختصاص آن به مناطق محروم (لوح فشرده صورت مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۵)، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم در چارچوب ارزش‌های انقلابی-اسلامی اقداماتی در راستای این باور بودند. در زمینه عدالت آموزشی، موسوی، مدارس و آموزش و پرورش در نظام قبل را عامل بریدگی‌های فرهنگی و از خودبیگانگی فراگیران (اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱، ص. ۳) برشمرد و

^۱ . Distributive justice

در زمینه عدالت آموزشی، وجود مدارس خصوصی (ملی) زمان پهلوی را -که بهترین امکانات و معلمان را در اختیار خود داشتند- تبعیض‌آمیز می‌دانست و به همین دلیل، عدالت انقلابی و رایگان بودن تحصیل را به دولتی کردن مدارس و مؤسسات آموزش عالی تعبیر و تفسیر نمود (حاضری، ۱۳۷۷) و بر تربیت دینی و انقلابی تأکید کرد.

پیرامون این مهم، وزرای آموزش و پرورش وقت، مواضع بعضاً مشابهی اتخاذ نمودند. محمدعلی رجایی، عدالت را به مثابه مردم‌گرایی و مبارزه با دشمن برشمرد و بر این اساس، بر اشاعه اخلاق انقلابی در مدارس، گزینش و تربیت معلم پیرو انقلاب، افزایش مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش به منظور نظارت و جلوگیری از نفوذ واحدها و احزاب ضد انقلاب و افزایش نقش مردم در احداث و ساخت مدارس (رجایی، ۱۳۷۶؛ زهره‌ای، ۱۳۹۱) تأکید نمود. محمدجواد باهنر نیز تربیت و بازیابی نیروی مؤمن، مسلمان و انقلابی در نظام، باهدف بازسازی محیط آموزش و زمینه‌سازی برای مشارکت مردم در آموزش و پرورش به منظور جلوگیری از القای فرهنگ غیراسلامی و پاکسازی مدارس از عناصر غیرانقلابی (طبری، ۱۳۸۸) را مدنظر قرار داد. لایحه پاکسازی معلمان، بزرگ شدن مجموعه آموزش و پرورش، جذب معلمان متعهد، قانون مدارس غیرانتفاعی، ساخت مدارس، آموزش از راه دور، قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش، قانون نحوه مشارکت مردم، از جمله مصوبات و برنامه‌های آموزشی دوره پرورش و اکرمی، وزرای منصوب در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ بود (مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸).

با توجه به تحلیل بیانات و متون مصوبه، توزیع عادلانه امکانات آموزشی، مخالفت با غیردولتی‌سازی مدارس، آموزش و پرورش رایگان و اجباری، رفع نابرابری امکانات آموزشی در مناطق محروم، دولتی شدن آموزش عمومی و عالی، توجه به آموزش افراد بی‌بضاعت و مستضعف در مصوبات و برنامه‌های این دوره پربسامد است. تولیدکنندگان متن، یعنی گروه حاکم به نوعی خود را مسئول مردم یا به تعبیری مخاطبان دانسته و برای رفع بی‌عدالتی، ظلم و فقر، عدالت توزیعی دولتی که منوط به نظارت و کنترل دولت در مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است را پیشنهاد می‌دهد. پشتوانه نظری این تفکر، عدالت فراگیر اسلامی است که عدالت در توزیع منابع و امکانات را وظیفه حکومت اسلامی دانسته و ادعان به اقدامات پیشگیرانه و جبرانی توسط حکومت در این زمینه را دارد (جمشیدی،

۱۳۸۰) و از سویی با برخی از مبانی فکری چپ‌گرایانه و سوسیالیسم^۱ (یعنی تقدم عدالت اجتماعی؛ حاکمیت دولت؛ مبارزه با سرمایه‌داری و تبعیض طبقاتی؛ طرفداری از توده‌های مردم) مشابه است (مطهرنیا، ۱۳۷۸؛ هاشمی، ۱۳۷۸). این تحلیل نشانگر محوریت و پربسامد بودن ارزش‌های انقلابی-اسلامی در بیانات و متون مصوبه است؛ زیرا عبارات فراوانی نظیر اهداف و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، تربیت دینی و اعتقادی، تزکیه در آموزش، گزینش اعتقادی، پاکسازی فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر دارد. فقرزدایی و برخورداری از آموزش با تأکید بر روستا و مناطق محروم و افراد بی‌بضاعت، پیرامون مقوله عدالت کمی، بیشترین تکرار را دارد. تألیف کتب برحسب تنوع و مقتضیات، برحسب جنس، سن و استعداد، متناسب با بافت عشایری و روستایی، توجه به اقلیت‌های دینی و مشارکت مردم در آموزش و پرورش از جمله مؤلفه‌های عدالت آموزشی در سطح کیفی است. با نظر به متون و بر اساس آمار، برنامه‌های دهه اول انقلاب خصوصاً دولت موسوی، زمینه‌ای برای برخورداری و افزایش سواد اقشار در حاشیه (مناطق محروم، دختران، روستاییان و محرومین) از آموزش و پرورش شد (احمدی، ۱۳۹۷)، اما پیرامون مؤلفه‌های عدالت کیفی در سطح آموزش که مربوط به حق مشارکت در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، شایسته‌سالاری، کثرت‌گرایی، برخورداری کیفی از منابع مادی و انسانی در تعلیم و تربیت و توجه به اقلیت‌هاست، تحلیل و تفسیر بیانات ایشان و متون مصوبه، نشانگر کاربرد پربسامد افعال و عبارات شرطی و امری، صفات ایدئولوژیک، روابط سلسله‌مراتبی، اقتدارگونه و از بالا به پایین، ارجح بودن برنامه‌ها و ارزش‌های انقلابی در کنار مؤلفه‌های عدالت آموزشی کیفی است که به نوعی به تناقضات درون‌متنی و ابهام و محدودیت در عمل را منجر می‌شود؛ چرا که مشارکت‌گرایی با تأکید بر تمرکز در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی توسط مراجع بالا، برنامه درسی کثرت‌گرایانه، شایسته‌سالاری، آزادی در نظر و عمل دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، با آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی پیرامون تعیین نحوه گزینش، نوع محتوا، نحوه تعاملات، نوع فضای فرهنگی و اولویت مواضع فکری و ارزشی گروه حاکم در نظر و عمل، ناهمخوان و در کل، افعال و عبارات صرفاً ابلاغی و دستوری که مؤید روابط سلسله‌مراتبی است با مؤلفه‌های عدالت آموزشی کیفی واقع در متون که روابط صرفاً عمودی و یک‌سویه را برنمی‌تابد، در تضاد و ناسازگار است. همچنین، دوگانه‌سازی ارزشی به وسیله واژگان تقابلی

^۱. Socialism

که برجسته‌سازی و طرد را به همراه دارد، می‌تواند مشارکت، کثرت‌گرایی و شایسته‌سالاری را در عمل محدود و با برچسب‌های اعتقادی و سیاسی روبرو کند که نتایج پژوهش‌ها و دیگر شواهد حاکی از این امر است.

در این دوره، مشکلات ساختاری ناشی از گستردگی ساختار وزارت، حذف و یا ادغام غیرمنطقی واحدهای آن (صافی، ۱۳۹۵)، اختلافات و تنش‌های سیاسی، نفوذ محافظه‌کاران سنتی در مسند تصمیم‌گیری و اعمال سیاست‌ها (حاضری، ۱۳۹۶)، شدت جنگ، کسری بودجه ناشی از تحریم بین‌المللی و افول درآمدهای نفتی، ناآرامی‌های داخلی، خسارات وارده از جنگ، از جمله عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یا به دیگر تعبیر عوامل برون‌متنی‌اند که به نوعی در تولید متن نقش دارند و همچنین، مؤثر بر چگونگی اجرای اهداف و برنامه‌های مدون و منوط به عدالت آموزشی می‌باشند که برخی از این عوامل نقش تعیین‌کننده و مهم‌تری دارند. در بیانات و متون مصوبه به مشارکت در سطح اجتماعی و آموزشی اشاره شده است، اما با تأکید بر مشارکت مالی، اعتقادی و ارشادی که اگر متن را با توجه به عوامل بیرون از متن تحلیل کنیم، کسری بودجه ناشی از خسارت‌ها، شدت جنگ و سیاست اقتصادی دولت، تنش‌ها و اختلافات داخلی، اعتقاد خط امامی‌ها به مدیریت مکتبی یعنی استفاده از نیروهای متعهد به ارزش‌های انقلابی در منصب‌های کشوری و آموزشی و از طرفی مواضع فکری گروه حاکم پیرامون ترویج و تبلیغ ارزش‌های انقلابی و مبارزه با ضد انقلاب با هدف ایجاد وحدت فکری، فرهنگی و اعتقادی مردم و به‌منظور کنترل اوضاع و نگهداشت انقلاب (موسوی، اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱)، موجب برجسته شدن و توجه به مشارکت در ابعاد مذکور شد؛ به بیان دیگر عوامل مذکور، از سویی، عدالت توزیعی دولتی، تمرکز بر تأمین حداقل نیازهای ضروری و معیشتی و تأکید بر مشارکت مالی به منظور کاستن از بار مالی دولت و جبران کسری بودجه و از سوی دیگر تأکید بر تمرکززدایی و مشارکت کنترل شده و مشارکت در امور ارشادی و اعتقادی به منظور پیشگیری از نفوذ عوامل غیرانقلابی و کاهش کشمکش‌های منبعث از اختلافات و ناآرامی‌های داخلی و خارجی (علی‌حقی، ۱۳۸۷؛ کاظمی، ۱۳۸۳؛ نصر، ۱۳۸۶؛ حاضری، ۱۳۹۶) را رقم زد. مؤلفه‌هایی که تا حد زیادی و بدون برنامه منطقی و انعطاف‌پذیر، جمع‌ناپذیرند و پیامدهای چنین موضعی بر مقوله عدالت آموزشی کیفی در نتایج آماري پژوهش‌های دیگر مشهود است. برخورداری کیفی از منابع فیزیکی و انسانی، آزادی بیان و تفکر، کثرت‌گرایی، تمرکززدایی و مشارکت در تعلیم و تربیت، برای تحقق کارآمد، الزاماتی از جمله فرهنگ‌سازی، همه‌جانبه‌نگری، تربیت نیروی متخصص و کارآمد، تعاملات مناسب، بهره‌گیری از روش‌ها و افکار و نظریه‌های متعدد، بهره‌گیری از بُعد

کارکردگرایانه دین در کنار دیگر افکار و نظریه‌ها، تعاملات مناسب در سطح گسترده را می‌طلبد که در سیستم متمرکز و دولت محور با این باور که مواضع فکری و ارزش‌های گروه حاکم در همه ابعاد تعلیم و تربیت پاسخگو و در اولویت است، دستیابی به این مهم را ناممکن می‌سازد و در برخی جنبه‌ها نیز به تضاد و ناسازگاری منجر می‌شود.

ج. تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در متون برنامه توسعه اول و دوم و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح تبیین)

تحلیل در سطح تبیین نیز با بررسی و نقد نسبت متن با زمینه و گفتمان مسلط و دیگر عوامل و شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نوع روابط قدرت مؤثر در شکل‌دهی گفتمان، خصوصیات ایدئولوژیک متن، چرایی عملکرد گفتمان و تأثیرات بازتولیدی متون گفتمانی بر جامعه و گفتمان رقیب را نمایان می‌سازد.

بر اساس تبیین حاصل از متون گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، باید گفت ارتباط این متون، با گفتمان مسلط، یعنی انقلاب اسلامی، بسیار قوی و به نحوی رابطه قدرت/دانش را یادآور می‌شود. تولید متون به منظور ترویج و حفظ ارزش‌های مدنظر گفتمان با بکارگیری پربسامد و تکرار واژگان ارزشی انقلاب اسلامی، مشخص است. مولد متن یعنی سنت‌گرایی ایدئولوژیک^۱ (بشیریه، ۱۳۷۸، صص. ۶۹-۷۰)، مهم‌ترین مسئله نظام را وحدت فرهنگی و دینی به منظور تثبیت ارزش‌های انقلابی و اسلامی برشمرده (موسوی، اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱) و به نوعی با تأکید بر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و مسئولیت‌سپاری به حکومت، حفظ و تثبیت خود را موجب شد. گفتمان مذکور در منازعه با گفتمان رقیب با به حاشیه راندن و طرد گفتمان‌هایی مانند لیبرالیسم^۲ (مالکیت فردی، دولت حداقلی)، پهلویسم (طرد ارزش‌های اسلامی و گرویدن به ارزش‌های ایران باستان، مدرنیسم مطلقه) (اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱، ص. ۳) و سکولاریسم^۳ (جدایی دین از سیاست، دانش‌گرایی، بهبود زندگی با نظر به مفاهیم مادی صرف) و برجسته‌سازی دولت حداکثری، عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی فراگیر

۱. گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک: این گفتمان در واکنش به مدرنیسم مطلقه پهلوی پدیدار شد و گسترش یافت سنت‌گرایی ایدئولوژیک جهان مدرن و شیوه زندگی دموکراتیک را به‌عنوان دشمن اصلی قلمداد کرده و به مظاهر مختلف تجدد غربی تاخته است. این گفتمان به‌ویژه با پلورالیسم، جامعه مدنی، لیبرالیسم، سنت روشنگری غرب و ناسیونالیسم ایرانی سر ستیز داشته است و در مقابل، بر رهبری، انضباط اجتماعی و اخلاقی، ارزش‌های سنتی، نخبه‌گرایی سیاسی و کنترل فرهنگی تأکید داشته است.

۲. Liberalism

۳. Secularism

اسلامی در اجرای عدالت و متعاقب آن عدالت آموزشی، ساختار گفتمانی خود را رقم زد و به جایگاهی غالب در مبارزات گفتمانی دست یافت.

همانطور که گفته شد، تأکید بر ردّ خصوصی‌سازی، تمرکزگرایی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی، رفع نابرابری آموزشی در مناطق محروم و روستاها با محوریت ساخت و احداث مدارس، تعلیم و تربیت رایگان و اجباری، توجه به آموزش افراد بی‌بضاعت، روستا و مناطق محروم، مشارکت‌طلبی با اهداف خاص مدنظر حاکمیت، موضع اتخاذی گفتمان مذکور پیرامون مؤلفه‌های عدالت آموزشی بود. تولید متون مذکور در شرایط جامعه آن روز با هدف همبستگی، انسجام و دور نگهداشتن جامعه از آسیب‌های احتمالی و با نظر به کاستی‌های حکومت پیشین، تا حدی کارآمد بود، اما با توجه به کناره‌گیری از نظریات و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روز جهان، گستردگی فعالیت آموزش و پرورش دولتی، واقع‌گرایانه نبودن برخی استراتژی‌ها و برنامه‌ها، فقدان کادرهای مجرب و کافی در اداره امور، گزینش عوامل اصلی آموزش و پرورش بر اساس مواضع فکری و ارزشی، در نظر نگرفتن نیازهای متنوع و واقعی افراد و عدم جامعیت و پویایی (صافی، ۱۳۹۵) ناشی از تمرکزگرایی و ارجح بودن نگهداشت ارزش‌های مدنظر حاکمیت با هدف وحدت دینی و فرهنگی (موسوی، اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱) و پیشگیری از آسیب به نظام انقلابی (موسوی، اطلاعات، ۴ تیر ۱۳۶۲)، از نقطه نظر تحقق مؤثر عدالت آموزشی کیفی، ناکارآمد بود. زیرا محدودیت‌ها و تناقضات درون‌متنی و عوامل برون‌متنی مانعی برای فراهم آمدن الزامات تحقق این مهم هستند و رشد کیفی آموزش و پرورش را ناممکن می‌سازند. مباحث مذکور به همراه دیگر شرایط، مقدمه‌ای فراهم آورد تا افکار و اقدامات تولیدکنندگان گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، پیرامون چرایی و چگونگی ایجاد توسعه و برقراری عدالت و متعاقب آن عدالت آموزشی توسط گفتمان بعدی مورد نقد قرار گرفته، به حاشیه رانده شده و موضعی جدید پیرامون برقراری توسعه و اجرای عدالت و عدالت آموزشی اتخاذ گردد.

شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در گفتمان سازندگی

در بخش حاضر، مؤلفه‌های عدالت آموزشی علاوه بر بیانات مستقیم هاشمی رفسنجانی، برخی از متون و مصوبات گفتمان سازندگی، از جمله بخش آموزش در برنامه اول و دوم توسعه؛ قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی؛ قانون گزینش معلمان و کارکنان وزارت آموزش و پرورش؛ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و

مناطق آموزشی مصوب ۱۳۷۲، مدارس نمونه دولتی مصوب ۱۳۶۹، مدارس نمونه مردمی مصوب ۱۳۷۲، مورد تحلیل و نقد در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین قرار می‌گیرد.

الف. تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در بیانات مستقیم هاشمی رفسنجانی و متون برنامه توسعه اول و دوم و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح توصیف)

در این قسمت، مؤلفه‌های عدالت آموزشی در بیانات مستقیم رئیس‌جمهور وقت و متون برنامه توسعه اول و دوم و مصوبات شورای عالی آموزش، به ترتیب در جداول شماره (۳) و (۴) توصیف شده است:

جدول ۳- تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در بیانات مستقیم هاشمی رفسنجانی (سطح توصیف)

<p>مصاحبه با فصلنامه حکومت اسلامی، ۳ اسفند ۱۳۷۶ / سخنرانی در جمع مسئولان وزارت آموزش و پرورش پیرامون شیوه آموزش و پرورش و نیاز به متخصص، ۱۱ مرداد ۱۳۶۳ / سخنرانی در جمع مدیرکل‌ها و مسئولان آموزش و پرورش، ۲۲ آبان ۱۳۶۸ / ۱۱ دی سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان همایش نسل جوان، ۱۳۷۴ / مصاحبه به مناسبت هفته دولت، ۶ دی ۱۳۷۳ / مصاحبه در سفر به سیستان و بلوچستان، ۲ دی / به مناسبت هفته دولت، ۳۰ مرداد ۱۳۷۳ / مصاحبه در مورد شهدای هفت تیر، ۵ تیر ۱۳۷۶ / مصاحبه در مورد شهدای هفت تیر، ۷ تیر ۱۳۶۵</p>	<p>استبداد / غرب‌زده / رژیم فاسد / فرهنگ غلط / کمبود امکانات / خدازش / فقر / مناطق محروم / بیکاری / جنگ‌زده / ضدانقلاب / ضداسلام</p>	<p>واژگان سلبی</p>
<p>همشهری، ۳۰ مرداد ۱۳۷۵ / بیانات در مراسم حکم تنفیذ ریاست روزنامه جمهوری، ۲۶ مرداد ۱۳۶۸ / کیهان ۱۳۶۵ / همشهری، ۱۱ تیر ۱۳۷۵ / جمهوری، مرداد ۱۳۷۲ / بیانات در مراسم حکم تنفیذ ریاست جمهوری، ۱۲ مرداد ۱۳۷۲ / همشهری، ۳۰ مرداد ۱۳۷۵ / بیانات در خطبه نماز جمعه تهران، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ / سخنرانی در جمع مدیرکل‌ها و مسئولان آموزش و پرورش، ۲۲ آبان ۱۳۶۸ / مصاحبه با فصلنامه حکومت اسلامی، ۳ اسفند ۱۳۷۶ / مصاحبه به مناسبت هفته دولت، ۶ دی ۱۳۷۳</p>	<p>سازندگی / حفظ فرهنگ سنتی و ترویج و پاسداری از ارزش‌های انقلابی و اسلام / مخالفت با استکبار جهانی، تجدد غربی / مخالفت با سوسیالیسم، مارکسیسم و امپریالیسم / رشد و توسعه اقتصادی / سازندگی بر اساس سرمایه‌گذاری و تأکید بر امور زیربنایی / سیاست تعدیل و خصوصی‌سازی / تعلیم و تربیت اسلامی / نیروی فرهنگی صالح / بازسازی / ولایت فقیه / تعدیل</p>	<p>واژگان محوری و پریسامد</p>
<p>مصاحبه در مورد شهدای هفت تیر، ۵ تیر ۱۳۷۶ و ۷ تیر ۱۳۶۵ / سخنرانی رئیس‌جمهوری در دیدار شرکت‌کنندگان همایش نسل جوان، ۱۱ دی ۱۳۷۴ / مصاحبه به مناسبت هفته دولت، ۳۰ مرداد ۱۳۷۳</p>	<p>انقلابی در مقابل ضدانقلاب / اسلامی در برابر غیراسلامی و غربی / متعهد در برابر غیرمتعهد / ارزش در برابر خدازش / خصوصی در برابر دولتی</p>	<p>واژگان تقابلی</p>
<p>همشهری، ۲۸ آذر ۱۳۷۵ / سخنرانی در جمع دانشجویان حزب جمهوری اسلامی، ۳۰ فروردین ۱۳۶۳ / سخنرانی در جمع نیروی انتظامی، ۲۷ شهریور ۱۳۶۵ / مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی، ۲ خرداد ۱۳۷۲</p>	<p>صفات ایدئولوژیک: فرد انقلابی خوب و متعهد / تسلیم قانون شود / عناصر مخرب و ضدانقلاب / ضدانقلاب و ضداسلام / ضدانقلاب و تروریست و حامی استکبار / روحیه انقلابی / آزادی در چارچوب دولت و نظام / عمل در چارچوب نظام انقلاب</p>	<p>واژگان محدودکننده</p>

<p>عدالت در گرو رونق اقتصادی/ برخورداری از نعمت‌های عمومی/ ایجاد جامعه‌ای مرفه/ سازندگی بر اساس سرمایه‌گذاری و تأکید بر امور زیربنایی/ تناسب بین توجه به رشته‌های فنی و نظری/ توجه به تحول کیفی/ تناسب بین آموزش کوتاه مدت و تخصص‌گرایی/ رفع کمبود امکانات آموزشی/ فقرستیزی و عدالت اجتماعی/ توجه به مناطق جنگ‌زده و روستایی/ تأمین نیازهای مصرفی/ آزادی‌های اساسی/ مدارس شبانه‌روزی/ مدارس نمونه دولتی/ افزایش تحت پوشش تحصیلی قرار دادن/ کاهش بی‌سوادی و ساخت مدارس مناطق محروم/ عدالت اجتماعی/ توجه به اقلیت‌ها/ خصوصی‌سازی/ توجه به تربیت و حضور زنان در اجتماع/ مدارس غیرانتفاعی</p>	<p>مفاهیم عدالت و عدالت آموزشی متن</p>
<p>اطلاعات، بیانات در مراسم حکم تنفیذ ریاست‌جمهوری، ۱۲ مرداد ۱۳۷۲/ اطلاعات، مرداد ۱۳۶۹/ همشهری، ۳۰ مرداد ۱۳۷۵/ سخنرانی در جمع مسئولان وزارت آموزش و پرورش پیرامون شیوه آموزش و پرورش و نیاز به متخصص، ۱۱ مرداد ۱۳۶۳/ سخنرانی در جمع مدیرکل‌ها و مسئولان آموزش و پرورش، ۲۲ آبان ۱۳۶۸/ مصاحبه با فصلنامه حکومت اسلامی، ۳ اسفند ۱۳۷۶/ مصاحبه با روزنامه آفتابگردان، ۹ خرداد ۱۳۷۴/ مصاحبه به مناسبت هفته دولت، ۶ دی ۱۳۷۳/ مصاحبه در سفر به سیستان و بلوچستان، ۲ دی ۱۳۷۳/ همشهری، ۳ تیر ۱۳۷۵/ مصاحبه به مناسبت هفته دولت، ۳۰ مرداد ۱۳۷۳/ مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی، ۲ خرداد ۱۳۷۲</p>	

جدول ۴- تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی متون برنامه توسعه اول و دوم و مصوبات شورای عالی آموزش (سلیف)

توصیف

<p>واژگان سلبی</p>	<p>کم‌بضاعت؛ جنگ‌زده؛ عقب‌ماندگی؛ مصرف‌گرایی؛ فقر؛ نیازمند؛ محروم؛ شکاف طبقاتی</p>	<p>به ترتیب: قانون تشکیل شوراها، ماده ۸، ماده ۴، برنامه توسعه اول، ماده ۱ تبصره ۵</p>
<p>واژگان محوری</p>	<p>آرمان‌ها و فرهنگ انقلابی؛ موازین اسلامی؛ رشد و عدالت اقتصادی؛ تقدم پرورش و تزکیه، خصوصی‌سازی، التزام عملی به ولایت فقیه؛ آرمان‌های انقلاب اسلامی و اسلام</p>	<p>به ترتیب: برنامه توسعه دوم، بخش ۲ خط‌مشی، ماده ۱ تبصره ۴۱، قانون گزینش معلمان، مصوب ۷۴</p>
<p>واژگان تقابلی</p>	<p>آرمان‌های اسلام و انقلاب در برابر آرمان‌های استکبار و سلطه‌گر؛ خصوصی در برابر دولتی؛ خودکفایی در برابر وابستگی؛ عموم مردم در برابر قشر خاص؛ ولایت‌فقیه‌مدار در برابر ضدولایت‌فقیه؛ متخصص در برابر غیرمتخصص؛ غیرمتخصص؛ غیرمتعهد</p>	<p>به ترتیب: برنامه توسعه اول، خط‌مشی‌ها، شماره ۷، ماده واحده، شماره ۷، ۵ و ۳</p>
<p>واژگان پربسامد</p>	<p>رشد اقتصادی، نسل جوان طرح‌های تولیدی و زیربنایی؛ تخصص نیروی انسانی؛ خودکفایی؛ غیردولتی؛ خودکفایی؛ تولید؛ کاهش وابستگی؛ آموزش عالی؛ آموزش فنی و حرفه‌ای؛ پرهیز از رفاه طلبی؛ جنگ‌زده، محروم؛ بسیجی و ایثارگر، قشر محروم و آسیب‌پذیر؛ آموزش اخلاقی و معنوی</p>	<p>برنامه توسعه اول، اهداف کلی، برنامه توسعه اول، خط‌مشی‌ها، ش ۸، تبصره ۶، ماده ۲ تبصره ۱۱، خط‌مشی‌ها، ش ۵</p>
<p>واژگان محدودکننده</p>	<p>افعال و عبارات: نظارت دولت؛ منافات نداشتن با، ناقض نباشد، طبق دستورالعمل مرکزی، غیرمطابق بودن با، مطابق قوانین مرکزی، طبق ضوابط آموزش و پرورش، باید، نباید، نظارت مستمر، مطابق چارچوب‌ها، در صورت حفظ شئون اسلامی، توأم با تعهد به ارزش‌های انقلابی، اولویت با، باید متعهد به، منافی اعمال حاکمیت نباشد، مطابق قوانین و سیاست‌های وزارت مرکزی، ابلاغ می‌گردد، بر اساس سیاست‌های نظارتی و هدایتی دولت، صفات ایدئولوژیک: مردم مسئولیت‌پذیر، متعهد به انقلاب و ولایت فقیه، نیروهای مؤمن و متقی</p>	<p>برنامه توسعه دوم، بخش ۲، قانون گزینش معلمان، ماده ۲، قانون تشکیل شوراها آموزش و پرورش، ماده ۸ و ۹، قانون گزینش معلمان، ماده ۱۱، ۳، ۴، ۱۱، برنامه توسعه اول، خط‌مشی‌ها، برنامه توسعه دوم، بخش ۲، آیین‌نامه مدارس نمونه دولتی، مصوب ۱۳۷۹</p>
<p>واژگان مشروع‌سازی شده</p>	<p>اولویت آرمان‌های اسلام و ارزش‌های انقلاب در کلیه موارد؛ مرکزیت و مسئولیت دولت؛ اولویت حق ورود بسیجیان و ایثارگران؛ اولویت گزینش اعتقادی؛ تقدم پرورش بر آموزش؛ پرورش برابر با آرمان‌ها و اندیشه‌های اسلامی و انقلابی</p>	<p>به ترتیب: برنامه توسعه اول، خط‌مشی‌ها، قانون اولویت ورود بسیجی‌ها و زرمندگان به دانشگاه، قانون شوراها، ماده ۲، قانون گزینش معلمان، ماده ۲ تبصره ۱، برنامه توسعه دوم، بخش ۲</p>
<p>مفاهیم عدالت آموزشی متن</p>	<p>اولویت امور زیربنایی؛ تعلیمات اجباری و رایگان؛ عدالت اجتماعی، ارتقاء سطح سواد دختران؛ مشارکت مردمی؛ مشارکت زنان؛ واگذاری امور اجرایی آموزشی به بخش غیردولتی و غیرانتفاعی؛ توجه خاص به آموزش کودکان استثنایی؛ توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای؛ توجه به روستاییان و عشایر و قشر آسیب‌پذیر در آموزش؛ مدارس شاهد؛ اولویت بخش‌های محروم و</p>	<p>برنامه توسعه اول، خط‌مشی‌ها، شماره ۶، برنامه توسعه اول، ماده واحده، تبصره ۱، اهداف کلان، شماره ۱، خط‌مشی‌ها، شماره ۸، شماره ۵ ماده واحده، ماده اول، خط‌مشی‌ها، شماره ۸، ماده واحده، تبصره ۱۰، خط‌مشی‌ها، شماره ۱۳، ماده</p>

<p>واحد، تبصره ۳۲، برنامه توسعه اول، خط‌مشی‌ها، اهداف، قانون تشکیل شوراها، ماده ۲ و ۱، برنامه توسعه اول، اهداف کلی، قانون مدارس نمونه مردمی، اهداف، قانون مدارس نمونه دولتی</p>	<p>جنگ‌زده شوراها؛ آموزشی؛ احداث و توسعه مدارس، اهمیت به تربیت بدنی، علمی، نقادانه و خلاقانه؛ تأمین حداقل نیازهای اساسی؛ آزادی اقلیت-های مذهبی؛ توجه به شرایط اقلیمی و جمعیتی؛ غیرمتمرکز نمودن آموزش فنی و حرفه‌ای؛ کاهش فقر و محرومیت؛ تخصص‌گرایی؛ خصوصی‌سازی؛ تأسیس مدارس شبانه‌روزی؛ تأسیس نمونه دولتی</p>
---	---

ب. تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در متون برنامه توسعه اول و دوم و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح تفسیر)

بر اساس تفسیر و نقد بیانات مستقیم و متون مصوب، تخاصم و تضاد گفتمان سازندگی با گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، بیش از هر مسئله‌ای، پیرامون راهکارهای توسعه، برقراری عدالت و عدالت آموزشی است. برنامه‌های گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، با محوریت تفکرات و برنامه‌های چپ‌گرایان سنتی، در برقراری عدالت اجتماعی با تمرکز بر عدالت توزیعی دولتی، تمرکزگرایی و مخالفت با خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش به دلایل و شرایط متعددی که ذکر شد، موفقیت‌آمیز نبود. حزب سازندگی با نقد اقدامات گفتمان پیشین، یعنی پرداخت یارانه‌های بی‌حد و حصر و بدون حساب و کتاب به کالاها و اقلام، پرداخت سهمیه‌های دولتی، کنترل و نظارت دولتی بر بسیاری از امور را ناشی از تفکر شرقی سوسیالیستی چپ (هاشمی رفسنجانی، مراسم حکم تنفیذ ریاست جمهوری، ۱۲ مرداد ۱۳۷۲) و عامل تبعیض و شکاف طبقاتی دانست (هاشمی، ۱۳۷۸) و بر این اساس و با توجه به پیش‌فرض‌های خود، در برنامه‌ها، محوریت را به توسعه اقتصادی و سیاست تعدیل داد (دارابی، ۱۳۹۵).

طبق تحلیل متون برنامه‌های توسعه، حزب سازندگی تعریفی متفاوت از اقتصاد، سیاست و متعاقب آن عدالت و عدالت آموزشی ارائه داد: عدالت را برابر با افزایش ثروت و کاهش فقر و به مثابه توسعه اقتصادی و منوط به رشد اقتصادی، خصوصی‌سازی و منافع ملی در ابعاد دولتی و آموزشی دانست (حسین زاده، ۱۳۸۶). بازسازی فرآیند تولید متن برنامه توسعه اول و دوم، یا به تعبیری، افراد درگیر در کنش بعنوان فاعلان، گروه حاکم بوده و افراد مخاطب، آحاد مردم هستند که از حیث اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت می‌باشند. هدف از تولید متن (گفتاری و نوشتاری)، با توجه به استفاده از واژگان ارزشی، صفات ایدئولوژیک، افعال و عبارات شرطی، بیش از هر چیز، مشروع‌سازی ارزش‌های مدنظر گروه حاکم و همچنین اعطای جایگاه ویژه و اقتداری به دولت به‌عنوان سیاست‌گذار است که به نوعی مخاطب را برای پذیرفتن و عمل در چارچوب و راهکارهای دولت اقناع می‌نماید و از سویی نشان دهنده روابط اقتداری، سلسله‌مراتبی و فاصله‌ای تثبیت شده بین فاعلان و مخاطبان است که الزامات عدالت‌ورزی در کلیه ابعاد خصوصاً بعد کیفی آموزش را با

تناقض، تابعیت و محدودیت روبه‌رو می‌سازد. محوریت ارزش‌های انقلابی و تأکید بر عمل در چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های مرکزی به نوعی با مؤلفه‌های عدالت آموزشی کیفی از جمله مشارکت‌گرایی مؤثر، تمرکززدایی، کثرت‌گرایی و شایسته‌سالاری، به نوعی در تضاد و ناسازگار است. بر این اساس، محمدعلی نجفی، وزیر آموزش و پرورش دولت سازندگی، با توجه به باورهای حزبی و نیازها و شرایط آن دهه، مصوباتی وضع کرد و متعاقب آن اقداماتی انجام داد؛ مانند تأسیس مدارس غیرانتفاعی، تأسیس مدارس نمونه مردمی، تشکیل شوراهای آموزش و پرورش، واگذاری امور اجرایی به مدارس، آزادی اقلیت‌ها در امر آموزش و پرورش، بازنگری در اساسنامه انجمن اولیا و مربیان (مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۶-۱۳۶۸)، تسهیل روند گزینش‌های آموزش و پرورش، سخت نمودن شرایط انتقال و استخدام معلمان با استفاده از معیارهای تحصیلاتی.

طبق تحلیل و تفسیر بیان و متون مصوبه آموزشی، در برنامه‌ها و اقدامات، مؤلفه‌های عدالت کمی از جمله تعلیمات اجباری و رایگان، احداث و تجهیز مدارس و امور زیربنایی با تأکید بر مناطق محروم و جنگ‌زده، توجه به آموزش دختران، روستاییان، عشایر و قشر آسیب‌پذیر و متعاقب آن تأسیس مدارس شبانه‌روزی، نمود بیشتری دارد. دلالت‌های عدالت آموزشی در سطح کیفی نیز با محوریت مشارکت، خصوصی‌سازی، غیرگرایی، اقلیت‌گرایی و تمرکززدایی در نظام آموزشی برجسته است که در واگذاری امور اجرایی آموزشی به بخش غیردولتی و غیرانتفاعی، توجه خاص به آموزش کودکان استثنایی، توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای در آموزش، شوراهای آموزشی، مدارس نمونه مردمی به‌منظور بالا بردن کیفیت آموزش در مناطق محروم، تربیت نقادانه و خلاقانه، آزادی اقلیت‌های مذهبی در امر آموزش، توجه به شرایط اقلیمی و جمعیتی، تمرکززدایی آموزش فنی و حرفه‌ای و تخصص‌گرایی، نمود پیدا می‌کند.

ولی بر اساس تحلیل بیانات مستقیم رئیس جمهور و متون مصوب، بکارگیری افعال و عبارات امری و شرطی، نمایانگر روابط سلسله‌مراتبی و فرمایشی است. تأکید بر انحصار امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت، تابعیت و عمل طبق دستورالعمل‌های مرکزی و موازین مشروع سازی شده در بیانات و متون مصوبه، بسیار مشهود است. تکرار و پربسامد بودن هم‌معنایی امور فرهنگی با ارزش‌های انقلابی-اسلامی و تأکید بر اولویت آن در کلیه امور، دوگانه‌سازی ارزشی با برجسته‌سازی ارزش‌های خودی و طرد ارزش‌های غیرخودی و متعاقب آن بهره‌گیری از صفات ایدئولوژیک، نشانگر نوعی هشدار غیرمستقیم و در نتیجه ابهام، تابعیت و محدودیت در اقدام است. همراهی مؤلفه‌های عدالت کیفی از جمله تمرکززدایی،

مشارکت‌گرایی، کثرت‌گرایی در جوار عباراتی که نشانگر محوریت مواضع فکری و ارزشی خاصی است، نوعی تناقض درون‌متنی است که با نادیده انگاشتن تفاوت‌ها و ارزشمند شمردن تابعیت، تحقق کارآمد مؤلفه‌های عدالت آموزشی در سطح کیفی را به حاشیه می‌راند و با اینکه در ظاهر به تغییر و تحول تأکید دارد، با اولویت بخشی به مواضع خود و یک‌سویه‌نگری در این امر، فراهم‌سازی الزامات را خنثی می‌سازد. هاشمی رفسنجانی در بیانات خود به سازندگی و توانمند ساختن کشور با تکیه بر بهره‌گیری از نظام آموزشی، تربیت اسلامی، نیروی متعهد و متخصص به‌منظور ایجاد رفاه و برای مقابله با تبعیض و مقابله با استکبار جهانی و همچنین حفظ ارزش‌ها، تأکید بسیاری داشت (سخنرانی در جمع مسئولان آموزش و پرورش، مرداد ۱۳۶۳؛ سخنرانی در جمع وزرا و مسئولین آموزش و پرورش، آبان ۱۳۶۷؛ بیانات در مراسم حکم تنفیذ ریاست جمهوری، ۱۲ مرداد ۱۳۷۲، روزنامه کیهان، ۶ آذر ۱۳۶۱؛ روزنامه همشهری، تیر ۱۳۷۵). بهره‌گیری هاشمی از عباراتی که نشانگر دوگانه‌سازی ارزشی، روابط سلسله‌مراتبی، بیان اقتدارگونه و فرمایشی است، در کنار تأکید بر مشارکت‌گرایی، تمرکززدایی، شوراها، آزادی، توجه به اقلیت‌ها و کثرت‌گرایی در نظام آموزشی، ناهمخوانی و ابهام را نشان می‌دهد؛ در حالی که تحقق مؤثر تمامی این مؤلفه‌ها در صورت عدم تعدیل تمرکز و قدرت ناشی از مواضع ارزشی و فکری مشخص، ناممکن می‌نماید، ناهمخوانی و تضاد در نظر، ناکارآمدی در عمل را منجر می‌شود.

از شواهد و یافته‌های این دوران مشخص می‌گردد، عدالت در سطح کمی و بهره‌مندی اقشار و مناطق محروم از مدرسه و سواد و امکانات نسبی، محقق شده است، اما تحقق راستین مؤلفه‌های عدالت کیفی که منجر به خلاقیت، استقلال در تفکر و عمل، کارآمدی و ... می‌شود، در عمل ناکام مانده است. عوامل برون‌متنی، رویدادها و شرایط مؤثر در تولید و چگونگی اجرای متون و مصوبات این دوره از این قرارند: شرایط بین‌المللی از رواج آموزه‌های دموکراسی گرفته تا تحریم‌ها، وفات امام خمینی به‌عنوان شخصیتی کاریزماتیک و تشدید تنش‌های داخلی و چنددستگی فکری و سیاسی گروه حاکم پیرامون مسائل ارزشی و اقتصادی، تسلط گرایش‌های محافظه‌کارانه در مجلس، کسری بودجه ناشی از اقدامات اقتصادی دولت و سرمایه‌گذاری‌های بدون پشتوانه، خسارت‌های ناشی از جنگ، افزایش آگاهی مردم و در نتیجه مطالبه‌گری برای آزادی و مشارکت، ضعف در بهره‌گیری کارکردگرایانه از دین در کنار دیگر تفکرات، متأثر شدن آموزش و پرورش از جریان‌های سیاسی و غفلت از نیازهای واقعی، ساختار سلسله‌مراتبی و گسترده نظام آموزشی، فقدان کادرهای مجرب و کافی در اداره امور، برنامه‌های بدون پشتوانه نظری و عملی مناسب و برخی برنامه‌های

تقلیدی از سیستم آموزشی دیگر کشورها، گزینش عوامل اصلی آموزش و پرورش بر اساس مواضع فکری و ارزشی (صافی، ۱۳۸۹؛ پروانه، ۱۳۹۴؛ ختایی، ۱۳۷۳). این عوامل، از یک سو، چرایی و چگونگی پرداختن دولت به مؤلفه‌های عدالت آموزشی را رقم زد و از سوی دیگر، مانعی در راه تحقق عدالت آموزشی کارآمد شد.

بر اساس آمار، آن چه مشهود است رشد عدالت در سطح کمی است؛ یعنی ساخت و افزایش تعداد مدارس و تعداد افراد برخوردار از سواد (احمدی، ۱۳۹۷) و آنچنان که از تحلیل متون و بررسی رویدادها، مستندات و پیامدها برآمد، مؤلفه‌های عدالت آموزشی در سطح کیفی بیشتر به دلایلی مانند پیشگیری از به خطر افتادن منافع ملی و ارزش‌های مدنظر حاکمیت، کاستن از حجم ساختار بزرگ و کم‌تحرک آموزش و پرورش، تحت نظر قرار دادن مدارس خاص و انتفاعی (مدارسی که خود به نوعی بی‌عدالتی را موجب شدند) و نظارت بیشتر به فعالیت‌های این‌گونه مؤسسات، مدارس و شوراها، جواب دادن به خواسته‌های مشارکتی مردم، تأمین منابع مالی و کم کردن فشار بر دولت، کماکان با محوریت و اولویت نگهداشت چارچوب‌های گروه حاکم، مدنظر قرار گرفت (یاری‌قلی، ۱۳۹۲؛ نصر، ۱۳۸۲؛ پروانه، ۱۳۹۴). بنابراین، برخورداری کیفی عادلانه از منابع مادی و انسانی در آموزش و پرورش به‌عنوان عامل تحول در این حیطه، تحت تأثیر این عوامل، از تحقق مؤثر و کارآمد باز ماند.

ج. تحلیل مؤلفه‌های عدالت آموزشی در متون برنامه توسعه اول و دوم و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح تبیین)

طبق تبیین مؤلفه‌های عدالت آموزشی بیانات مستقیم، متون توسعه و مصوبات آموزشی گفتمان سازندگی، باید گفت که ارتباط این متون با گفتمان مسلط، یعنی گفتمان حزب سازندگی قوی است و عبارات تأیید کننده بسیاری در این رابطه بکار گرفته شده است. دال‌های عدالت آموزشی یعنی خصوصی‌سازی در آموزش، مشارکت‌گرایی با گسترش مؤسسات غیردولتی و غیرانتفاعی و شوراها، گسترش امور زیربنایی و تولیدی، تمرکززدایی در آموزش فنی، توجه به آموزش زنان و دختران منجر به طرد و به حاشیه رانده شدن عدالت اجتماعی با تأکید بر عدالت توزیعی و دولتی در گفتمان پیشین شد، اما ارتباط این متون با دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی یعنی ارزش‌های انقلابی و اسلامی با تأکید بر ولایت فقیه و دیگر ارزش‌های مرتبط، همچنان حفظ شد؛ چرا که علاوه بر تسلط تفکرات محافظه‌کارانه، رئیس‌جمهور وقت، تبلیغ تفکر و مکتب انقلابی-اسلامی و پاسداری از ارزش‌ها را از اهداف و

دغدغه‌های دولت خود برشمرد (روزنامه کیهان، ۱۱ دی ۱۳۶۰؛ مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، ۲۶ مرداد ۱۳۶۸).

متون تولید شده در گفتمان سازندگی پیرامون توسعه و عدالت آموزشی به‌نحوی در ظاهر امر با نظریات کلان اجتماعی، تربیتی و اقتصادی جهان، یعنی لیبرالیسم کلاسیک^۱ (تأکید بر مالکیت شخصی، آزادی اقتصادی، خصوصی سازی، زمینه‌سازی برای فرصت برابر، آزادی مدنی و سیاسی)، کاپیتالیسم^۲ (سرمایه‌گذاری، توسعه‌محوری، افزایش ثروت) و مدرنیسم (تأکید بر علم و عقل انسانی) و از سویی با برخی مؤلفه‌های عدالت فراگیر اسلامی تا حدی همخوانی دارد. در هر صورت، ترویج و حفظ ارزش‌های مدنظر گروه حاکم و منوط دانستن تغییر و تحول در چارچوب ارزش‌های ایدئولوژیک، متون را در اختیار دارد و بطور ضمنی از آن برای محدود نمودن هر اقدام مغایری استفاده می‌نماید. تولیدکنندگان متن، یعنی تکنوکرات‌ها، به‌نوعی با منوط دانستن افکار نخست‌وزیر گفتمان پیشین به نظام سوسیالیستی یعنی نظامی که با متعلق کردن کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و سرمایه در دولت متمرکز، فرصت و ابتکار را از بین می‌برد و مخالف با نظام اقتصادی اسلامی است (بیانات در مراسم حکم تنفیذ ریاست‌جمهوری، ۱۲ مرداد ۱۳۷۲)، بر عدالت‌گستری بر اساس توسعه اقتصادی و اقدامات غیردولتی در امور اقتصادی و آموزشی در منازعه با گفتمان رقیب تأکید و به جایگاهی غالب دست یافت.

تولید متون مذکور در شرایط جامعه آن برهه با هدف عدالت‌گستری در ابعاد مختلف، خصوصاً نظام آموزشی، با تأکید بر گسترش آموزش عمومی و عالی در سطح دولتی و غیردولتی، تمرکززدایی، مشارکت‌ورزی، تولیدمحوری، خصوصی سازی، آموزش دختران و قشر جوان، آموزش عالی و آموزش فنی (مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۶-۱۳۶۸) مدنظر قرار گرفت که با نظر به پیامدهای ناشی از کاستی‌های گفتمان پیشین پیرامون عدالت‌ورزی آموزشی، تا حدی کارآمد بود، اما با نظر به عدم همگامی مؤثر با نیازهای واقعی جامعه و تحولات جهانی، سلیقه‌گرایی، عدم پژوهش‌گرایی و شایسته‌سالاری مؤثر در نظام آموزشی، ضعف جامعه مدنی، واقع‌گرایانه نبودن استراتژی‌ها و برنامه‌ها، سوگیری ارزشی، محدودیت اجرایی مشارکت‌طلبی و تمرکززدایی همان‌گونه که از تحلیل متون و پیامدهای حاصله مشهود است، ناکارآمد بود؛ چرا که تغییر و تحولاتی مؤثر و پیش‌برنده را جز در

^۱ Classical liberalism

^۲ Capitalism

مواردی محدود با توجه به معیارهای رشد و توسعه، موجب نشد. کسری بودجه، افزایش رقابت ناسالم، ازدیاد فاصله طبقاتی، فضا و جوّ خفقان‌آلود، ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی، ایجاد افشار جدید اجتماعی ناشی از سیاست‌های اقتصادی و سیاسی دولت (علیپور، ۱۳۹۴) نیز از دیگر عوامل مؤثر بر عدم تحقق مؤثر مؤلفه‌های عدالت آموزشی در دوران سازندگی است.

در مجموع، ناکارآمدی ناشی از فراهم نبودن الزامات، مقدمه و فضایی فراهم آورد تا افکار و اقدامات تولیدکنندگان گفتمان مذکور، پیرامون چرایی و چگونگی برقراری عدالت و عدالت آموزشی توسط گفتمان بعدی مورد نقد قرار گرفته، به حاشیه رانده شده و موضعی جدید پیرامون برقراری توسعه و اجرای عدالت اتخاذ گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

پیرامون مؤلفه‌های عدالت آموزشی، صرف وجود و تأکید بر این مؤلفه‌ها در متون، نشانگر اجرای عملی و مؤثر در عرصه تعلیم و تربیت نیست؛ چرا که عوامل بازدارنده درون‌متنی و برون‌متنی بسیاری بر این مهم تأثیرگذار است. در گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی دولتی و در گفتمان سازندگی، رشد و توسعه اقتصادی بعنوان راهکاری به منظور عدالت‌گستری مطرح شده و متناسب با این نگاه، عدالت آموزشی در سطح تعلیم و تربیت تعریف شد. با وجود دوگانگی سیاسی و به تبع آن، پیش‌فرض‌های متفاوت ارزشی و فکری، در هر دو گفتمان، اولویت دادن به عدالت آموزشی کمی در عمل و بر اساس مقوله نیاز، بیشتر مشهود است. برخورداری اگر هم به صورت کمی و هم به صورت کیفی باشد، موجب بهبود و پیشرفت است؛ یعنی اینکه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی حق اظهارنظر و مشارکت داشته باشند، آزادی و فردیت به رسمیت شمرده شود، شایسته‌سالاری حاکم باشد و تلاش، استحقاق ذاتی و نیاز توأمان با هم در نظر گرفته شود.

در متون گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، تأکید بر مشارکت مردم در آموزش و پرورش، شرایط بومی و توجه به اقلیت‌ها در عرصه تعلیم و تربیت مشهود است و در متون گفتمان سازندگی در این رابطه تأکید بیشتری بر حمایت از مدارس غیردولتی، توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای، مشارکت‌گرایی، تمرکززدایی و شوراهای آموزش و پرورش است؛ مؤلفه‌هایی که در متون گفتمان رقیب نمود کمتری دارد. مبحث عدالت، مبحثی صرفاً نظری نیست، بلکه معطوف به عمل است و اگر در عمل الزامات و زمینه‌ای برای تحقق آن فراهم نشود، موجبات

رشد و توسعه فراهم نخواهد آمد؛ به تعبیری، دست یافتن به این مهم، طالب الزاماتی در سطوح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، در حالی که در هر دو گفتمان، تناقضات و محدودیت‌های درون‌متنی و شرایط برون‌متنی، دستیابی مؤثر به مؤلفه‌های کیفی عدالت آموزشی را محدود و در عمل ناممکن ساخت. این بدیهی است که تا چه اندازه امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی در جامعه‌ای با سیستم متمرکز در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، متأثر از مواضع فکری و ارزشی نهاد حکومت است، با این پیش‌فرض، متون تولید شده در سطح نظری به‌عنوان مبنای کار و برنامه، از اهمیت زیادی برخوردارند، خصوصاً در نهاد تأثیرگذار و مهمی مانند آموزش و پرورش. ولی آن چه مهم است تبدیل نشدن خود ایدئولوژی به برنامه است، هرچند که برنامه متأثر از ایدئولوژی باشد. اما فراروایت‌گرایی، مشروع‌سازی، بزرگ‌گرایی، مرکز‌محوری در متون هر دو دوره گفتمانی، مشهود است و به نحو بارزی سایر مؤلفه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

تبدیل شدن ایدئولوژی به برنامه، با نادیده گرفتن سایر ابعاد و مؤلفه‌ها، در واقع، قدرت پنهانی است که با مشروع‌سازی، کاستی‌ها و ناکارآمدی را می‌پوشاند، تعاملات مؤثر را محدود می‌کند، نقد و اصلاح را نمی‌پذیرد و در مجموع، اقدامات عدالت‌ورزانه و توسعه‌محور را خنثی می‌نماید. نتیجه این است که هر حکومت مواضع ارزشی و فکری خاص خود را دارد که اگر از لحاظ انگیزشی و شناختی در آن تحول ایجاد نشود، موجب جزم‌اندیشی می‌شود و عدم تحول ناشی از حفظ موقعیت، قدرت و مشروعیت اجتماعی در گروه حاکم، راهکارهای مردم‌سالارانه، تمرکززدایانه و برخورد متعادل و منطقی را ناممکن می‌سازد؛ به تعبیر دیگر، بدون تغییر در این زمینه، تغییر مؤثر در دیگر زمینه‌ها خصوصاً در نظام مهم آموزشی، ممکن نیست. نتایج تحلیل‌ها، آمارها و پژوهش‌های صورت گرفته نیز گواهی بر این امر است. حفظ ارزش‌ها با دلایل حتی منطقی در جای خودش مهم است و دستاوردها را نمی‌توان نادیده گرفت، اما در جهان متغیر، متکثر و در حال رشد امروز، برای حفظ کیفیت آموزش، باید آن‌گونه مواضع فکری و ارزشی مبنا قرار گیرد و روش‌هایی به کار گرفته شود که حقوق، آزادی، شایستگی، تنوع، مشارکت، پویایی و نیازهای واقعی فراگیران، معلمان و دیگر دست‌اندرکاران عرصه آموزش و پرورش به‌عنوان عاملان و زمینه‌سازان تحول واقعی در عرصه مهم تعلیم و تربیت به حاشیه رانده نشود تا تفکر و توانمندی برای ایجاد تغییر و تحول مؤثر فردی و اجتماعی، پدید آید. در کشوری مانند ایران با سیستم حکومتی مبتنی بر جمهوریت و اسلامیت، اجرای این مهم، بیش از هر امر دیگر لازم است و مقدمه آن ارجح دانستن مصالح افراد و جامعه با هدف رشد و توسعه در تمامی زمینه‌ها و اقدام بر این اساس است؛

مواردی که باید تدریجی و با پشتوانه علمی و پژوهشی و به‌طور متعادل و هماهنگ انجام شود و صورت افراط و تفریط به خود نگیرد.

پیشنهادها و محدودیت‌ها

پیشنهادهای کاربردی: در حیطه سیاست‌گذاری آموزشی، فراهم نمودن الزامات در حیطه‌های مختلف با تأکید بر حذف نگاه منفعت‌طلبانه و جایگزین ساختن نگاه دوران‌دیشانه، مشارکت‌طلبانه و متخصص و پژوهش‌مدارانه. در حیطه برنامه‌ریزی، توجه به نظریات و تحولات جهانی، پیرامون آزادی، مشارکت، حقوق فردی و شهروندی در محتوای دروس، پرهیز از ترویج و نهادینه‌سازی افکار خاص ایدئولوژیک ناشی از فرهنگ و قدرت مسلط، توجه به تنوع قومی، فرهنگی و مذهبی، در نظر گرفتن پویایی و مشارکت معلم و فراگیر. در حیطه معلمان، گزینش معلمان بر اساس تخصص و اخلاق حرفه‌ای و انسانی، توجه به حقوق فردی کلیه فراگیران، توجه و برخورد مناسب با تفاوت‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی فراگیران، پرهیز از دخالت مواضع ایدئولوژیک در امر تدریس، تعامل مشارکت‌گونه با فراگیران. در حیطه آموزش غیررسمی، آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی افراد نسبت به حقوق فردی خود پیرامون مشارکت، آزادی، انتخاب و...، پرهیز از خدمت‌رسانی افراطی به مواضع ایدئولوژیک و منفعت‌طلبانه قدرت.

پیشنهادهای پژوهشی: پرداختن عملی و کاربردی پیرامون راهکارهایی که برای برون‌رفت از پیامدهای نامطلوب می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ استفاده از دیگر روش‌های پژوهش فلسفی برای پرداختن به این مقوله؛ پرداختن اختصاصی‌تر به چرایی و چگونگی ارتباط و تأثیرات مقوله عدالت بر تفکر انتقادی، تفکر خلاقانه و دیگر اهداف اساسی آموزش و پرورش.

محدودیت‌های پژوهش: تحلیل نمونه‌های زیاد (بیانات مستقیم، برنامه‌ها و مصوبات) به‌منظور افزایش روایی و پایایی پژوهش که به طولانی شدن زمان اجرای پژوهش انجامید و فقدان منابعی که به‌طور مستقیم و واضح مراحل روش پژوهش مطرح‌شده را توضیح و انجام داده باشد.

منابع

- اطهری، سید حسین؛ زمانی، سمیه (۲۰۱۳)، تحلیل انتقادی، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰(۲۰۰)، ۱۸۱-۳۴۰
- آقازاده، احمد (۱۳۸۹). تاریخ آموزش و پرورش ایران، تهران: ارسباران.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۳). رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، مجله انجمن زبان‌شناسی، ۳(۵)، ۳۹-۵۴
- امینی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان، مجله مطالعات سیاسی، (۱۴۲)، ۷۲-۱۲۷
- ایگلتن، تری (۱۳۸۱)، درآمدی بر ایدئولوژی (اکبر معصوم بیگی، مترجم)، تهران: آگه
- برزین، سعید (۱۳۷۸). جناح‌بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران، نشر مرکز.
- بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۱). چالش‌های نظری عدالت اجتماعی در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران، مجله علوم سیاسی، ۱۵(۵۷)، ۱۳۶-۱۰۳
- پاداشی، آتنا (۱۳۸۸). چرخش معنایی مفهوم زنانگی در گفتمان انقلاب سازندگی و اصلاحات، (رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی).
- تاجیک، محمدرضا؛ دهقانی، جلال (۱۳۸۲). الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست‌های خارجی ایران، مجله راهبرد، ۲۷(۱)
- توسلی رکن‌آبادی، مجید؛ شجاعیان، محمد (۱۳۹۲). نظریه عدالت سندل و چندفرهنگی‌گرایی، مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ۲۲(۲)، ۲۱-۱۱
- جباری، محمدحسن (۱۳۹۴). گفتمان‌های عدالت در ایران، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱). جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگی و اندیشه اسلامی.
- جهانگیری، منصور (۱۳۹۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر دیدار
- حاضری، علی محمد (۱۳۷۷). *مدارس غیرانتفاعی و تحرک اجتماعی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- حسین‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). *گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- خمینی، روح‌الله (۱۳۵۹). صحیفه امام، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- دارابی، علی (۱۳۹۵). *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- دلیل تولید کوپن در ایران چه بود؟ (۱۳۸۷). مصاحبه با بهزاد نبوی. *روزنامه کارگزاران*.
- روشنفکر، محمد مهدی (۱۳۷۸). گونه‌شناسی سیاسی، اقتصادی چپ و راست در ایران، *زمانه*، شماره (۷۸)

- رئیس‌جمهوری در اصفهان: گردونه سازندگی ایران، هرگز از حرکت باز نمی‌ماند (۳۰ مرداد ۱۳۷۵).
روزنامه همشهری، ۴ (۱۰۴۷)
- زهره‌ای، محمدعلی؛ رضایی، علی‌اکبر؛ راعی، گلوجه سجاد؛ حکیمی خرم، مجید و کریمی، حجت‌الله (۱۳۹۱). اسنادی از دولت شهید رجایی. تهران: نشر جمهوری ایران
- سرمدی، محمدرضا (۱۳۹۴). جایگاه عدالت آموزشی در تحول نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر سازنده‌گرایی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۳ (۱۰)، ۶۲-۷۰
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۷۹). جستاری در حدود مسئولیت تربیتی دولت اسلامی در دوران معاصر بر اساس کلام و سیره امام علی (ع)، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۲ (۴۰)
- صافی، احمد (۱۳۹۴). سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، چاپ دوم، تهران: سمت
- ططری، علی؛ ترکچی، فاطمه (۱۳۸۸). دولت و انقلاب، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱ (۱۴۲)، ۱۲۷-۱۴۲
- ظریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۸۷). کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران، چاپ اول، تهران: آزادی اندیشه
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۱). تغییر اصول سیاست‌گذاری در حوزه آموزش، اندیشه راهبردی زن و خانواده، تهران: عدالت
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۶). دین و عدالت در نظرخواهی از دانشوران، مجله نقد و نظر، ۱۱ (۱۰)
- فرمهینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). پست‌مدرنیسم و تعلیم و تربیت، تهران: نشر آبیژ
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران، جلد دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- قانون برنامه توسعه اول جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه توسعه دوم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، تهران: نشر مرکز
- گزیده‌ای از سخنان شهید رجایی در جمع مربیان امور تربیتی (۱۳۷۶). تربیت، شماره ۱۲۶
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم/اجتماع (عبدالکریم سروش، مترجم). تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۲). (جواد شرکایی اردکانی؛ حسین ریاحی‌نژاد، هادی رزاقی، گردآوران). تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۳-۱۳۷۹ (۱۳۸۰). تهران: ریاست جمهوری
- مجیدی، حسن (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷ (۵۲)
- مرتجی، حجت (۱۳۷۸). جناح‌های سیاسی در ایران امروز، تهران: نقش و نگار
- مصباحی، غلامرضا (۱۳۷۰). بررسی اختلافات مواضع موجود در اقتصاد جمهوری اسلامی، نشریه نورعلم، ۴ (۴۲)

- مواضع ما (۱۳۶۳)، *اساسنامه حزب جمهوری اسلامی*، تهران: دفتر مرکز حزب جمهوری اسلامی ایران
- موسوی، میرحسین (۱۳ دی ۱۳۷۹). توصیه‌های استاد عالی‌نسب در مسائل اقتصادی همواره گره‌گشا بود، خبرگزاری ایسنا
- موسوی، میرحسین (۱۳۸۳). شش گفتار درباره امام، جامعه، اقتصاد؛ جنگ و فرهنگ، تهران: نشرنی
- موسوی، میرحسین (۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۹). نخست وزیر دوران دفاع مقدس سکوت خود را شکست، خبرگزاری ایسنا
- ناظم، زهرا (۱۳۹۴). مشارکت مردمی و موانع آن در آموزش و پرورش، *کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم اجتماعی*.
- نجفی، نفیسه؛ باقری، خسرو (۱۳۸۷). عدالت در آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام با تأکید بر خصوصی‌سازی مدارس، *فصلنامه علوم تربیتی و روانشناسی*، ۱(۳۸)
- نوغانی، محسن (۱۳۸۶). تأثیر نابرابر سرمایه فرهنگی بر موقعیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دسترسی به آموزش عالی، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲۳(۳)، ۱۰۱-۷۱
- هاشمی رفسنجانی. اکبر (۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۲). سخنرانی در جمع مسئولان و معلمان پیرامون ارزش کارمعلم و اهمیت تعلیم و تربیت.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۰ تیر ۱۳۷۵). دانش‌آموزان پرتلاش پرچم اسرافراز جمهوری اسلامی را در میدان‌های علمی برمی‌افزاند، *روزنامه همشهری*. ۴(۱۰۰۶)
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۱ تیر ۱۳۷۵)، رئیس‌جمهوری در دیدار شرکت‌کنندگان همایش نسل جوان: برخورد‌های قهرآمیز نمی‌تواند اهرم پرورشی مطلوبی باشد، شماره ۱۰۰۷
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۱ مرداد ۱۳۶۳). سخنرانی در جمع مسئولان و وزارت آموزش و پرورش پیرامون شیوه آموزش و پرورش و نیاز به متخصص.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۶ دی ۱۳۵۹). سفرای ایران باید از موضع قدرت با دشمن حرف بزنند، *روزنامه کیهان*
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۲۶ مرداد ۱۳۶۸). سخنرانی مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۲۷ مرداد ۱۳۶۱). *روزنامه جمهوری اسلامی*، ص. ۱۰
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۳۰ مرداد ۱۳۷۵). گردونه سازندگی ایران، هرگز از حرکت بازمی‌ماند، *روزنامه همشهری*، ۴(۱۰۴۷)
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۱). بیانات در خطبه نماز جمعه تهران.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۶ آذر ۱۳۶۱). حتی ثروت‌های مشروع نیز بازخواست می‌شود، *روزنامه کیهان*، ص. ۱۰
- هاشمی، یاسر (۱۳۷۸). عبور از بحران، کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، تهران: همشهری.
- هدف‌گیری اسلام جامعه‌ای بدون مستکبر و مستضعف (۲۹ آبان ۱۳۶۱). *روزنامه جمهوری اسلامی*.

- واعظی، احمد (۱۳۸۳). عدالت اجتماعی و مسائل آن، فصلنامه علمی پژوهشی قیاسات، ۱۱(۹)، ۱۸۹-۲۰۷
- واعظی، احمد (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظریه های عدالت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- یاری قلی، بهبود (۱۳۹۲). بررسی فلسفه ایجاد مدارس غیرانتفاعی و سازگاری آن با عدالت تربیتی از منظر متخصصان تعلیم و تربیت با رویکرد هرمنوتیکی، مجله نوآوری آموزشی، ۳(۲)
- یاری قلی، بهبود؛ ضرغامی، سعید (۱۳۹۳). بررسی امکان بهره‌گیری از عدالت تربیتی برآمده از نظریه عدالت جان رالز در نظام‌های آموزشی: رویکرد هرمنوتیک انتقادی، مجله نوآوری‌های آموزشی، ۴(۵۰)
- Fairclough, N. (1992). Critical linguistics, in bright, W. (Ed), international encyclopedia of linguistics (pp. 314-315), New York: Oxford University Press.
- Friedman, M. (1955). The role of government in education, in Solo, R.A. (Ed), Economics and the Public Interest, Rutgers, New Jersey, University Press.
- Hart, C.J. (2007). Analysing political Discourse: Toward a cognitive Approach. Critical Discourse, 2(2), 189-194.
- Rogers, R., Malancharuvil-Berkes, E., Wetzel, M.M., & Hui, D. (2005). Critical Discourse Analysis in Education: A Review of the literature. Review of Educational Research 75(3), 365-416.

